

مدیر مجموعه تئاتر شهر

تئاتر در هیچ شرایطی نباید تعطیل شود

مدیر مجموعه تئاتر شهر با تاکید بر این‌که در هر شرایطی چراغ تئاتر نباید خاموش شود، گفت: این حرف ما نیست و در تمام دنیا و در شرایطی سخت‌تر از وضعیت فعلی ما، تئاتر توانسته به حیات خود ادامه بدهد. استادان و بزرگان ما هم چنین نظری دارند.

او در پاسخ به این پرسش که با توجه به تعطیلات تئاتر شهر به‌دلیل بازسازی، وضعیت اجراهای این مجموعه پیش از

جشنواره تئاتر فجر چگونه خواهد بود، گفت: اجراها قطعاً شروع می‌شود. اجرای دومینامش «شراره» و «فقط یک دقیقه طول می‌کشد» در سالن‌های «سایه» و «قشقالی»، از سر گرفته می‌شود و قرار است دو نمایش تازه هم در کنار این آثار، اجرای خود را آغاز کنند.

در برنامه‌ریزی‌های قبلی ما عمدتاً سالن‌ها دو اجرایی تعریف شده بودند ولی ممکن است یک‌سری سالن‌ها تک اجرایی

نگاهی به تعهد اجراگران به مخاطبان

آنان که نمی‌گذارند چراغ تئاتر خاموش شود

اجراگران تئاتر همیشه در برهه‌های مختلف تاریخی نشان داده‌اند به اندازه‌ای که برای مخاطبان تئاتر ارزش و اعتبار قاتل هستند، چه‌بسا به شکل افراطی غافل از خود می‌شوند و گاهی حرکت‌های شگفت‌انگیزی را برای جلب رضایت آنان انجام می‌دهند که مثالی‌ترین آنها مرگ مولیر روی صحنه و هنگام اجرای یک نمایش است که اجراگران را تا سرحد مرگ موفق به انجام وظیفه می‌داند که باید رضایت مخاطب را برای اتمام اجرای خود متعهد سازند و مگر مرگ که دیگر خواه‌ناخواه جلودار این اتفاق مهم است. همین نکته بارزی است که اهل تئاتر را متوجه اهمیت مخاطبان می‌کند و این رابطه دوسویه که همه چیز روی صحنه میپاست تا اجرا بستر رضایت مطلوب آنان را فراهم کند و البته خالی‌کردن صحنه، حالا به هر دلیل غیرقابل‌توجیهی –مگر مرگ– نمی‌تواند پیوند تئاتر و مخاطب را تکامل بخشد و این‌شانه‌خالی‌کردن اثبات‌گر مجریان تئاتر به هر شکلی خواهد بود.

مرگ «مولیر» روی صحنه

یکی از تمثیلی‌ترین مرگ‌ها را همانا مولیر، نمایشنامه‌نویس برجسته قرن هفدهمی فرانسه دارد که روی صحنه اتفاق افتاده است. او که از منتقدان پزشکان و سنانوورها بود، چندان وقعی به شیوه‌های درمانی این پزشکان در زمانه خود نمی‌نهاد و به‌همین دلیل هم در آخرین کارش به نام «بیمار خیالی» به نقد از پزشکان پرداخته و از بد حادثه در اجرای این نمایش نیز جان خود را از دست می‌دهد و مهم‌تر این‌که با آن‌که درد شدیدی داشته حتی از آخرین اجرائیش نیز چشم‌پوشیده است؛ «این‌که مولیر پزشکان عصر خود را به تمسخر گرفته، چندان هم بی‌دلیل نیست، نحوه درمان آنها بسیار قدیمی و بی‌تاثیر بوده و حتی گاهی سبب فوت بیماری می‌شده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۶۶۵ وقتی آن دتریش، مادر «یادشاه آفتاب» به سرطان پستان مبتلا شد پزشکان روی سینه او بودرسنگ می‌ریختند. این نوع درمان خرافاتی نه‌تنها موثر نبود بلکه بیماری را حادتر می‌کرد.

البته باید بذیرفت در قرن ۱۷، امکانات کنونی مثل سونوگرافی، ام.‌آر.‌آی، اکوگرافی، شیمی‌درمانی و انواع جراحی‌های کنونی وجود نداشته است اما خود مولیر چگونه درگذشت؟ او که خود نگاه منفی و بدبینانه‌ای به پزشکان عصر خود داشت، در چهارمین روز اجرای نمایشنامه «بیمار خیالی»، درد شدیدی در قفسه سینه‌اش داشت؛ عوامل سعی کردند وی را از بازی منصرف کنند اما او گفت: «چگونه این کار را کنم، درحالی‌که کارگران بسیاری امروز از طریق اجرای این نمایش نان شب‌شان را درمی‌آورند.» او سر صحنه رفت، بازی کرد و ناگهان در میان یکی از دیالوگ‌هایش دردی شدید حس کرد که سعی در پنهان‌کردنش داشت اما نتوانست. او را به خانه‌اش بردند و دو تن از خواهران مسیحی سر صحنه نیز او را همراهی کردند و بالای سرش دعا خواندند ولی هیچ کاری فایده‌ای نداشت و درنهایت خون از دهانش بیرون زد و او را خفه کرد.

مولیر، نمایشنامه‌نویس مشهور، آخرین نفس‌هایش را ۱۷ فوریه ۱۶۷۲ در ساعت ۱۰ شب کشید و درحالی‌که ۵۱ سال و یک ماه داشت، چشم از جهان فروبست و او را در قبرستان سنت‌ژوزف دفن کردند. در روز خاکسپاری، مردم جوی در خانه مولیر جمع شدند و همسر او از پنجره درحالی‌که از مردم می‌خواست برای همسرش دعا کنند، پول پایی می‌ریخت.

اولین نشانه‌های بیماری در ۲۷ نوامبر ۱۶۶۵ بعد از اتمام نمایش «عشق پزشکی» باآل‌اوردن خون‌که نشانه‌سل است درمولیر ظهور کرد. بعد از آن مکرراً مولیر دره‌هایی را در سیمه حس می‌کرد و دچار عفونت ریوی بود اما توجیهی به آن نداشت تاآن‌که درنهایت یکی از همین دردها جانش را گرفت.



سکته بقایي و هملت با «سالاد فصل»

در آبان ۸۸ اتفاق افتاد و شنیدن این خبر برای مان بسیار دردناک بود، چون هم بهروز بقایی هنوز در میانسالی به س‌رمی برد و هم از بازیگران بنامی بود که هنوز هم می‌توانست در صحنه بدرخشد. سکته او اما برای ما ناامیدکننده بود؛ چون در واقع فرصت بازی از او گرفته می‌شد. اما در همان حال و هوا باز هم یک گروه، تعهد خود را نسبت به مخاطبان تئاتر این‌گونه نشان داد: «بقایی چندی پیش به دلیل عارضه مغزی در بخش (ICU) بیمارستان جم بستری شد و نتوانست در روزهای آخر اجرای «هملت با سالاد فصل» حضور پیدا کند و هادی مرزبان (کارگردان) جایگزین او شد.» در واقع مرزبان چون متن را از بر نپوده، بنابر شنیده‌ها، متن را در دست گرفته و به جای این بازیگر نقش را روخوانی کرد، چون باید مخاطب از سالن راضی بیرون می‌رفته و نبود یک بازیگر، دلیلی برای تعطیلی یک اجرا نبوده است.

بشوند که البته این موضوع درباره همه سالن‌ها و همه اجراها صدق نمی‌کند.

طاهری در پایان درباره برنامه تالار اصلی که مدت‌هاست خالی مانده نیز گفت: برنامه‌هایی برای این تالار داریم که هنوز قطعی نیست و به‌نظر می‌رسد قطعی‌ترین اجرای آن کاری از آقای دژاکام باشد که گویا در حال تمرین آن هستند. /ايسنا



خود شدند ولی یک خود‌رو برای جلوگیری از فرار آنها، با موتورسیکلت خفت‌گیرها برخورد کرد و موتورسیکلت واژگون شد. او با اشاره به سرفت موتورسیکلتش نیز گفت: «خفت‌گیرها بعد از واژگون شدن موتورسیکلت‌شان، با چاقو به من حمله‌رو شدند و از ناحیه شانه من را مجروح کردند و با موتورسیکلت من گریختند.»

بیماری خجوف و نمایشنامه‌نویسی

آنتون پاولوویچ خجوف، پزشک، داستان‌نویس، طنزنویس و نمایشنامه‌نویس برجسته روس است. هرچند خجوف زندگی کوتاهی داشت و همین زندگی کوتاه همراه با بیماری بود اما بیش از ۷۰۰ اثر ادبی آفرید. او را مهم‌ترین داستان کوتاه‌نویس برمی‌شمارند و در زمینه نمایشنامه‌نویسی نیز آثاری برجسته از خود به جا گذاشته است. خجوف در ۴۴ سالگی بر اثر خونریزی مغزی درگذشت. آخرین اثر منتشر شده از خجوف نمایشنامه باغ‌آلبالو است. نمایش‌های بزرگی از سراسر دنیا براساس این نمایشنامه اجرا شده و بازیگران نامداری در آن ایفای نقش کرده‌اند باغ‌آلبالو که سال ۱۹۰۳ نوشته شد. در اوج دوران بیماری نویسنده خلق شده‌است. این متن همچنان با استقبال مخاطبان روبه‌رو و یکی از بهترین نمایشنامه‌های روسی است. وی اواخر زندگی خود دچار بیماری و درد فراوان بود و برخی حدس می‌زدند به بیماری سل مبتلا شده باشد. او برای معالجه بیماری به آلمان سفر کرد و به یک استراحتگاه به نام بادن ویلر رفت. احوال او نسبت به قبل کمی بهتر شد اما این حال خوب دوام چندانی نداشت و حالش از قبل نیز وخیم‌تر شد. در می‌۱۹۰۴ بیماری خجوف غیرقابل کنترل شده بود و به قول سردارش هر که او را می‌دید، حدس می‌زد مرگش نزدیک است. وی در ژوئن ۱۹۰۴ به آلمان رفت و در ۱۵ جولای همان سال در شهر بادن ویلر درگذشت.

بیماری ودوام تئاتری‌های ایران

در ایران هم بارها دیده و شنیده‌ایم که اجراگران و نویسندگان تئاتر با وجود بیماری کم نیاورده و همچنان در مقام نویسنده و کارگردان بر آن بوده‌اند که خودی نشان دهند و نگذارند صحنه خالی بماند، از آنچه فرهنگ‌ساز است. آینده یک مملکت پیرو چنین خواست و زحمتی شکل خواهدگرفت. شادروان اکبر رادی، نمایشنامه‌نویس که دی ۸۶ فوت کرد، در این سال‌های آخر در تدارک بازنگری و بازنویسی متون نمایشی در چهار دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ برآمده‌بود که مجموعه زیبایی صحنه‌آبی را بانشر قطره برای آیندگان به یادگار گذاشت. مصطفی‌اللهی، بازیگر و کارگردان نیز با آن‌که با سرطان درگیر بود، هم برای ارتزاق و هم برای حال خوشش، همچنان بر صحنه حضوری فعال داشت. شاید شاخص‌ترین مثال برای کارگردان و نمایشنامه‌نویس و مترجم ایرانی هم علیرضا کوشک جلالی باشد که با وجود ا‌م‌اس در این ۱۵-۱۰ سال اخیر حتی یک دقیقه هم از فعالیت تئاتر دریغ نکرده و مدام در ایران و آلمان هم به آموزش و هم اجرا، نوشتن و ترجمه مشغول است. او بی‌درنگ تبدیل به الگویی بزرگ برای همگان شده که زندگی در تداوم و پویایی در راه سخت و دشوار برای هموار شدن رویاها میسر خواهدشد. بنابراین تئاتر را باید جدی گرفت برای این‌که بتوان آینده بهتری را برای این هنر و پیشرفت فرهنگی در نظر گرفت.

۷۰ سال اج‌رادر لندن

«تله‌موش» اثر معمایی و مهم آگاتا کریستی که به‌عنوان پراجرارترین نمایشنامه جهان شناخته می‌شود، درحالی‌که سال آینده ۷۰ ساله شدن اجرائیش را جشن می‌گیرد، قرار است برای اولین‌بار در سال ۲۰۲۳ راهی برادوی شود. نمایش معمایی آگاتا کریستی که ذائقه تئاتر عامه‌پسند را تغییر داد از ۷۰ سال گذشته به‌عنوان یک جاذبه هنری - توریستی شناخته می‌شود. تله‌موش اولین‌بار سال ۱۹۵۲ در وست‌اند لندن روی صحنه رفت و تا زمانی که کرونا، تئاترها را به تعطیلی کشاند، بی‌وقفه در حال اجرا بود. این نمایش از اواسط ۲۰۲۱ دوباره اجراهایش را شروع کرد.

تئاتر

THEATER

۱۱

یکشنبه ۶ آذر ۱۴۰۱ ۶۳۶۶ شماره

نگاه

نویرانه‌ای از تئاتر کودک

دل بچه‌ها را نشکنید

نمایش «شاهزاده خانم و کلاغ‌های تاج‌سلا» کارپویا شش‌پری، بدون دلیل قانع‌کننده از اجرای نمایش برای بچه‌ها و در حضور والدین شان امتناع کرد. ما (بنده و آقای سعید محبی) برای دیدن این نمایش، دوشنبه هفته پیش به تالار هنر رفته‌بودیم که بعد از دیدن نمایش، آن را نقد کنیم و با آن‌که یک‌بار دعوت از سوی تالار هنر به‌دلیل مخالفت این کارگردان کنسل شده بود اما برای بار دوم رفتیم که این نشست را برگزار کنیم و با آن‌که پیش از اجرا در اتاق مدیریت، جلیل رفیعی مشغول صحبت درباره اجراهای آنجا بودیم، متأسفانه پیش از شروع اجرا، مدیر تالار هنر گفت که گویا کارگردان تمایلی به برگزاری نشست ندارد اما ما به دل نگرفتیم و گفتیم حالا که آمده‌ایم این اجرا را می‌بینیم و دست خالی نمی‌رویم... ما آخرین نفراتی بودیم که بعد از بچه‌ها و خانواده‌های‌شان یا به سالن گذاشتیم و داشتیم گروه اجرایی‌رامی‌دیدیم که بالباس و گریم در صحنه حاضرند اما کارگردان خودش دارد نکتاتی را می‌گوید و در پایان تاکید می‌کند که به‌دلیل پاره‌ای مشکلات درون‌گروهی نمی‌توانند این نمایش را اجرا کنند. این نوع برخورد با مخاطب، آن هم با مخاطب کودک و خردسال نوبر است. نمی‌دانند که دل بچه می‌شکند... ما داشتیم در این‌باره حرف می‌زدیم که آقای محبی به خانواده‌ها اطمینان داد که مسأله حتماً حل‌شدنی است و باید گروه حالا‌که بچه‌ها یا به سالن گذاشته‌اند؛ اجرائیش را برود.



مدیر و گروه اجرایی سالن هم شگفت‌زده به‌دنبال کارگردان که از این اتفاق جلوگیری کنند و بی‌آن‌که کارگردان هم بخواهد به آنان هم توضیحی دهد، اصرار می‌کرد که باید به‌دلیل این اختلاف‌نظرهای گروهی جلوی اجرای امروزش را بگیرد و در عین حال دوباره مدیر او را به تالار آورد که توضیح بدهد و آقای محبی خواهش کرد که برای بچه‌ها باید اجرا برود و نباید آنها را آذیت کند و روز قشنگ‌شان را از بین ببرد و این کارش زشت است و کارگردان هم ضمن بذیرفتن کار زشتش فقط پوزش می‌خواست و اصلاً حاضر به اجرا نبود. اتفاقی نادر و چه بسا نوبرانه در وادی تئاتر ایران و چه بسا جهان که یک گروه به هر دلیلی چه موجه و چه غیرموجه، آن هم در حضور تماشاگران نخواهد اجرائیش را ادامه دهد و حالا بعد از پایان اجرا به‌دنبال حل و فصل مشکلات درون‌گروهی‌شان اقدام کنند. به‌هر حال قابل بذیرش است که در هر گروهی اختلافاتی مانع از تداوم اجرا بشود؛ اما نه این‌که در حضور تماشاگران، آن هم کودکانی که متوجه این اختلاف‌ها نیستند؛ چنین اقدام ناشیستی ممکن شود.

با آن‌که مدیر و مسئولان سالن به‌دنبال عودت بهای بلیت و حتی هزینه حضور شده بودند و حتی قول دادند که دو نمایش دیگر این سالن را مهمان باشند و شماره‌های‌شان را رگرفتند اما هنوز کودکان نمی‌دانستند چه اختلافی مهم‌تر از دلیل حضور آنان برای دیدن یک نمایش است که الان نباید با همه شور و شوقی که برای دیدن تئاتر دارند، این فرصت از آنان دریغ شود و به نوعی دل شکسته تالار هنر را ترک کنند بی‌آن‌که ما بزرگسالان بتوانیم رضایت آنان را برای پرهیز از این نازیبایی جلب کنیم.

قاب



خبرروز

تالار مولوی در اختیار

جشنواره تئاتر عروسکی

مدیر مرکز تئاتر مولوی اعلام کرد: طبق توافق انجام شده، این مرکز از هفتم آذر در اختیار نوزدهمین جشنواره تئاتر عروسکی تهران مبارک قرار می‌گیرد.

امیرحسین حریری افزود: اجرای عموم نمایش‌های «آیا» و «اهانت به تماشاگر» تمام شد و طبق توافق انجام شده با اداره کل هنرهای نمایشی و طی نامه دریافتی از سوی اداره‌کل، مرکز تئاتر مولوی از هفتم آذر به مدت یک‌هفته میزبان نوزدهمین جشنواره تئاتر عروسکی تهران مبارک می‌شود.

وی با اشاره به این‌که هنوز جدول اجراهای جشنواره تئاتر عروسکی تهران مبارک به ما ارائه نشده و رسماً نیز به ما اعلام نشده است که جشنواره در تاریخ تعیین شده برگزار می‌شود یا به تعویق می‌افتد، ادامه داد: از اداره کل هنرهای نمایشی پیگیری می‌کنم تا اگر جشنواره در زمان مقرر برگزار نمی‌شود، برای اجراهای جدید مرکز تئاتر مولوی اقدام کنیم.

مدیر مرکز تئاتر مولوی درباره اجراهای جدید این مجموعه گفت: اجراهای جدید مرکز در انتظار مرحله بازبینی شورای نظارت و دریافت مجوز اجراست. اگر جشنواره در زمان مقرر برگزار نشود، سعی می‌کنیم با مساعدت شورا، آثار جدید مرکز زودتر روی صحنه برود. /مهر



بوشهر، میزبان

جشنواره تئاتر بسیج

استان بوشهر به‌عنوان میزبان مرحله نهایی سیزدهمین جشنواره سراسری تئاتر بسیج (سودای عشق) انتخاب شد.

سعید نجفیان، دبیر جشنواره با اعلام این‌خبر گفت: از زمان آغاز به کار ستاد سیزدهمین

جشنواره تئاتر سودای عشق در اردیبهشت امسال، مقرر شد تا با هدف تمرکززدایی از تهران و توجه به مبحث عدالت فرهنگی، مرحله نهایی جشنواره در یکی از استان‌های کشور برگزار شود که در این زمینه پنج استان برای میزبانی اعلام آمادگی کردند. وی افزود، به‌علاقه‌مندی و پیگیری بیشتر استان بوشهر و همچنین حمایت و مشارکت استانداری و فرماندهی سپاه امام صادق (ع) بوشهر، این استان به‌عنوان میزبان مرحله نهایی سیزدهمین جشنواره سراسری تئاتر سودای عشق انتخاب شد. نجفیان با اشاره به این‌که مرحله نهایی جشنواره از روز دوشنبه ۲۸ آذرماه آغاز و تا روز شنبه سوم دی سال جاری ادامه خواهد داشت، تصریح کرد: در این فاصله زمانی و براساس برنامه زمان‌بندی شده، نمایش‌های بخش صحنه‌ای، خیابانی و محیطی، اجرای عمومی و داوری می‌شوند.

